

بیان مسیونوز

در سال ۱۳۲۴ - ۵ . ق

بیان مسیونوز که در مجله بررسیهای تاریخی زیر عنوان گزارشی از وضع گمرک ایران بچاپ رسیده یکی از اسناد بسیار قابل ملاحظه بوده و زحمات کارکنان مجله بررسیهای تاریخی در انتشار این گونه اسناد که تقریباً در هر شماره یکی از آنها بچشم میخورد مشکور است. اهمیت این سند از این جهت است که علت طرفداری ناگهانی سیاست خارجی را از مشروطیت ایران روشن میسازد و معلوم میدارد چرا و چگونه درهای سفارت خارجی بروی مشروطه خواهان باز شد و مستشرقین از جمله پرفسور ادوارد برون چرا اوراق جراید اروپا را پراز مقالاتی در مظلومیت مشروطه خواهان ایران نمودند .

از لحاظ تاریخ محض هم این گزارش مهم است چه مسیونوز و مستشاران بلژیکی از سال ۱۳۱۶ - الی ۱۳۲۴ مدت ۸ سال با کمال قدرت و تقریباً بدون معارض بازیگر سیاست مالی ایران و عامل اجرای مقاصد خارجیان و هیئت حاکمه بوده اند .

قبل از وارد شدن به اصل موضوع نکاتی هست که باید گفته شود :

۱- اسقاط یکی دو صفحه اول گزارش هیچگونه تأثیر نابجائی در اهمیت سند و استفاده از متن پراهمیت آن ندارد زیرا معلوم است قسمت مفقوده عناوین و تاریخچه گمرک ایران است که تاریخچه

بواسطه کهن سالی در جاهای دیگر ضبط شده و عنوان نامه از قسمت باقی مانده سند بخوبی مشخص است .

مجله بررسیهای تاریخی مینویسد (ص ۱۵۵) که سند مزبور از آن جهت دارای اهمیت است که نوزاوین مستشار بلژیکی گمرک ایران بحضور مظفرالدین شاه تقدیم داشته در صورتیکه در دو مورد متن گزارش (صفحات ۱۵۹ و ۱۶۱) اشاره به فوت مرحوم مظفرالدین شاه مینماید و در هر دو جا مینویسد (مظفرالدین شاه سعید انارالله برهانه) باین وجود شکی باقی نماند که گزارش بحضور محمد علیشاه تقدیم شده و تاریخ تقدیم هم بادلایلی که خواهیم دید اواخر ذیحجه ۱۳۲۴ و با احتمال کمتر در اوایل سال ۱۳۲۵ ق تقدیم شده است (برابر فوریه ۱۹۰۷ م -)

۲- در خواندن سند در چند مورد زیر اشتباه شده است که بجاست اصلاح گردد .

خط متن سند نستعلیق شکسته و باین دلیل گاه بگاه شکستیمانی بحروف داده اند البته بجهت زیبایی خط و این موضوع سبب شده که دومورد الف را دال بخوانند (ص ۱۶۱ س ۱۸) خراسان را خردستان خوانده اند و دیگر (ص ۱۶۱ س ۱۸) اودئیل را دودئیل خوانده اند (سال گاو بنا به تقسیمات منجمان ترکستان که با تحقیقات امروزی هم منطبق است .)

همچنین صفحه (۱۶۰ س ۸) بجای خانه زاد فقط کلمه (زاد) چاپ شده و خانه افتاده است و بالاخره صفحه ۱۵۹ س ۱۱ (نگردید) را بواسطه کمی جابجا شدن نقطه نون (نکردند) خوانده اند و گرچه در اینجا در معنی تفاوتی حاصل نمیشود اما دو نقطه زیر (یا) بخوبی خوانده میشود و مقصود دقت بیشتر در خواندن اینگونه اسناد است .
برویم بر سر گزارش و شرح جزئیات آن که منظور از اشاره

نمودن بقرارداد گمرکی و مخصوصاً مخالفین چیست ؟ .
 در سال ۱۳۱۵ - ق مرحوم میرزا علیخان امینالدوله از تبریز
 احضار ابتدا بریاست شورای وزرا و بعد بصدارت و بالاخره باصدارت
 عظمی شروع بکار کرد. و این احضار و انتصاب گرچه با موضوع
 ما بستگی زیاد ندارد اما برای روشن شدن مطلب و دانستن وضع آنروزگار
 اشاره مختصری لازم است مرحوم مظفرالدین شاه و اطرافیان
 در تبریز مدتها بود که انتظار فوت ناصرالدین شاه را داشته تا بطهران
 آمده و خزانه پرو پیمان و خیالی شاه را تصرف و یک شبه ره صدساله
 بروند اما وقتی به تهران آمدند اوضاع خزانه در وضعی بود که
 نتوانستند بخلاف نظر قبلی خود میرزا علی اصفرخان
 اتابک را معزول نمایند چه در آنصورت برای مخارج یومیه آشپزخانه
 و آبدارخانه در میماندند. این بود که مدت دو سال با اتابک مماشات
 کردند و چون نظراتشان انجام نشد در صدد عزل او برآمدند .
 حرص و طمع آنها از همین جا معلوم میگردد که مرد بریز و پیاچی
 چون اتابک هم از عهده توقعات بی اندازه آنان بر نیامد .
 امینالدوله نیز مطابق میلشان نبود اما چون تصور میکردند
 که بتواند موضوع قرضه را سرانجام دهد بصدارت او رضایت دادند.
 امینالدوله بی میل نبود که برای نیازهای فوری از خارجه قرض
 نماید اما شرایط برای او غیر قابل قبول بود لذا صدارت او چندان
 بطول نیا نجامید در حدود یک سال (۱۱ ذی قعدة ۱۳۱۴ - از تبریز
 احضار و در تاریخ ۱۵ رجب ۱۳۱۵ صدر اعظم و در تاریخ
 ۱۵ محرم ۱۳۱۶ معزول گردید) عهده دار صدارت بود
 و مستعفی گردید . اما در همان مدت کوتاه اقدام برجسته ای انجام
 داد و آن استخدام مستشاران برای اداره گمرکات بود. گوا اینکه نظر
 امینالدوله بموقع اجرا گذارده نشد لکن نتایجی گرفته شد که
 خواهیم گفت .

علت العمل عدم موفقیت مقدم بر هر چیز مرد عمل نبودن مرحوم امین الدوله بود. آن مرحوم هر چند مردی مطلع و به سیاست روز وارد بود ولی مردی که بتواند از عهده یکمشت درباری که به هیچ چیز جز پر کردن جیب خود توجهی نداشتند برآید نبود و متاسفانه وزیر دارائی را که برای خود انتخاب کرده بود (مرحوم نایب السلطنه قراگزلو) دارای صفاتی مشابه با خودش بود و بلافاصله بعد از امین الدوله از میدان بدر رفت. در کتاب خاطرات سیاسی امین الدوله در این باره چنین مینویسد: مسئله گمرکات که سالیان دراز از اول سلطنت ناصری مقاطعه بود کنترل نمیشد. احصائی نداشت، دولت نمیتوانست بداند فی الحقیقه عایدات قطعی چیست؟ امین الدوله تصمیم گرفت چند نفر متخصص از اروپا برای اداره کردن گمرکات اجیر کند و برای اینکه این مسئله با رقابت شدید روس و انگلیس اسباب ازدیاد زحمت نشود صلاح دید از بلژیک که دولت بیطرفیست اشخاصی بخواهد. بمیرزا جوادخان سعدالدوله تبریزی که وزیر مختار ایران در بروکسل بود امر فوری داد اشخاص لایقی اجیر کرده روانه نماید. سعدالدوله با سه نفر قرار کرد. رئیس آنها میسونوز و دو نفر دیگر بلژیکی بودند.

این مستشاران وقتی وارد ایران شدند که میرزا علی اصغر خان بصدارت منصوب شده بود و ضمناً دولت روس با شروع بکار این مستشاران موافقتی نداشت اما مستشاران بزودی راه کار را یاد گرفته و با هر دو جبهه داخلی و خارجی برضد مردمی که برای اصلاح کار آنان استخدام شده بودند ساخت و پاخت نمودند. در همین کتاب خاطرات سیاسی امین الدوله مینویسد: روسها که کاملاً ضد هرگونه اصلاح در ایران بودند، خصوصاً مالیه و قشون، از استخدام بلژیکیها عصبانی و برضد اینکار اقدامات میکردند برای اینکه میخواستند

اشخاصی باشند کاملاً مطیع آنها . کما اینکه بعد از استعفای امین-الدوله مسیونوز و بلژیکیها را مثل امین السلطان نوکر مخصوص خودشان کردند. در صفحه ۲۷۶ خاطرات امین الدوله مینویسد که سفارت روس مسیونوز را پخت و ساخت. طوری مطیعش کرد بهتر از امین السلطان . مسیونوز بموجب قراردادیکه در زمان امین الدوله بسته شده بود فقط برای ترتیب و تشکیل گمرک اجیر شده بود که تحت امر وزیر ایرانی کار کند. اما روسها قرار دادند وزیر مستقل گمرکات باشد و نوکر آنها. بدیهیست امین السلطان نقشه را بفوریت اجرا کرد. این مسئله وزارت تامجلس اول کشیده شد و بنا بگفته تاریخ بیداری ایرانیان صفحه ۴۰۹ بخش نخست: در هیجدهم ماه شعبان افتتاح رسمی مجلس و مجلس شورای ملی تشکیل یافت. الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا .

رازی که نهان بود پس پرده حریفان

کردند عیان بادف و نی در سربازار

مسیونوز و پرم و چند نفر دیگر از مسیحیان کلاه بخارائی ایرانی به سر گذارده و جبهه ترمه پوشیده در صف وزرا ایستاده بودند. این موضوع را بدین واسطه نوشتم تا دانسته شود که اصل پنجاه و هشتم متمم قانون اساسی بی سبب مینویسد که : «هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه ایران باشد .»

مطلب دیگر که باید طرف توجه قرار گیرد اینکه نفوذ فوق العاده مسیونوز روی چه اصل بوده؟

نفوذ مسیونوز در بین وزرا و درباریان و متنفذین بدین علت بود که مرحوم امین الدوله تشکیل گمرکات را بنا بسیره جدید برای

این میخواست که پول حاضر و دست بنقدی آماده نموده تا بتواند فوراً يك قوای ژاندارم با سازمان و اسلحه جدید فراهم ساخته و آن وقت دست به اصلاحات اساسی بزند و دستور تئوریسین انقلاب تجدد ایران مرحوم میرزا ملکم خان را دریافته بود که در رساله (سیاست ایران چیست) میگوید: نمیتوان مانند زمان داریوش مالیات گرفت و چون ناپلئون بناپارت ارتش تشکیل داد.

این اشاره در بیلان نوز صعیح است که میزان عایدات گمرک ایران از طریق اجاره بین ۶۰۰ الی ۹۰۰ هزار تومان بوده که آنهم درست بخزانه تحویل نمیشده و با اقدامات جدید این مبلغ به دو کرور و چهارصد و چهل و چهار تومان شده بوده و خواهیم دید که بیش از این بوده و نوز نمیخواست به واقعیت واقف گردند. بهر صورت اگر این پول بمحل خود خرج میشد نظر مرحوم امین الدوله بموقع اجرا گذارده میشد اما مسیونوز نه فقط با اشاره مقامات خارجی بلکه به کمک فساد اخلاق شخصی این پول را در اختیار صدراعظم وقت و درباریان بانفوذ گذارده و از هر جهت مقام خود را تثبیت میکرده است. و مسلم است خود و سایر مستشاران نیز از این سفره آماده حداکثر استفاده را مینموده اند. مستر شوستر آمریکائی که شرح خدماتش مستلزم مقام دیگری است مینویسد که (اکنون در بلژیک از املاک و قصوریکه برای خود مرتب نموده اند بهره مند و محفوظ میشود) همچنین در یادداشت های سیاسی امین الدوله صفحه ۲۷۷ می نویسد مسیونوز و بلژیکها نه شاه میشناختند و نه دولت. آنچه نوز از وجوهات گمرک ایران مداخل کرد جواهر - مروارید قالی و اشیاء عتیقه خرید حسابش با کرام الکاتبین است. بلژیکهای مأمورین ولایات هم البته هر کدام نسبت به سهم خودشان عقب نماندند.

چون باین موضوع دیگر کار نداریم باید اضافه کنیم که نباید

بهیچ صورتی این مطالب را اغراق دانست بلکه باید بادلایلمهای گرفته شده از دو فقره قرضه را اضافه نمود آنوقت معلوم میگردد که این آقایان چه کرده اند.

این خدماتی بود که مستشاران بخود و هیئت حاکمه وقت نمودند حالا باید دید در باره سیاست خارجی چه اقداماتی انجام گرفته است . از طرفی باید دانست که در آستانه سال ۱۲۰۰ هجری صدراعظم ایران که میرزا علی اصفرخان بوده و شاه هردو تقریباً متمایل به سیاست روسها شده بودند تاجائیکه در کتاب محمود محمود صفحه ۱۶۵۵ مینویسد : در هر حال این سالها سالهای پر خوف و وحشتی برای انگلیسها بود و نمیتوانستند کاری در ایران داشته باشند میدان سیاست ایران بکلی بدست سفارت روس افتاده بود و آنچه تقاضا داشت در دربار ایران بفوریت انجام میشد .^۱

در چنین اوضاع و احوالی انگلیسها تصمیم داشتند تغییراتی در سیستم حکومتی ایران داده تا نتوان با دادن يك امضای محرمانه امتیازی برقیب بدهند . بسیاری از سیاسیون مسئله قتل ناصرالدین شاه را با این موضوع بی ربط نمیدانند . خلاصه در چنین اوضاع و احوالی مستشاران وارد و میرزا علی اصفرخان بجای امین الدوله صدراعظم ایران گردید و سفارت روس هم با کمک همین صدراعظم مستشاران را در اختیار خود گرفت .

سفارت روس با آمدن میرزا علی اصفرخان و هشیاری مستشاران بلژیکی موقع را برای يك مانور سیاسی و در دست گرفتن گمرکات و تجارت ایران مناسب دانست . روابط تجاری ایران با دولت انگلیس متکی بر قرارداد و استفاده از حقوق دول کامله الوداد بود و چون با

۱ - به کتاب عصر بی خبری و خاطرات سیاسی امین الدوله نیز رجوع کنید

روسها بر طبق فصل سوم عهدنامه تجارتي مورخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ هجری قمری منضم به قرارداد ترکمن چای از مال التجاره اتباع روس و ایران (کما فی السابق حقوق صد پینج فقط یک دفعه در موقع ورود یا خروج دریافت شده و علاوه بر آن هیچگونه حقوق گمرکی مطالبه نشود) بود دولت انگلستان نیز بهمین شکل عمل مینمود. حال دولت روس در صدد برآمد با تغییر تعرفه گمرکی سدی در مقابل مال التجاره انگلیس بوجود آورده و در مقابل تسهیلاتی برای ورود امتعه روسی فراهم آورد. برای انجام این مقصود موضوع را یک بار وقتی که در سال ۱۳۱۷ - ق برای مسافرت مظفرالدین شاه تقاضای قرضه نمودند پیش کشید و بار دیگر در سال ۱۳۱۹ - ق که مجدداً شاه به خیال مسافرت افتاد و در نتیجه باز هم متوسل به قرض شدند جدا پیش کشید و یکی از شروط بلکه شرط اصلی قرض قرارداد. محمود محمود مینویسد (ص ۱۶۶۷) خزانه خالی دولت ایران اولیای آن زمان را سخت بدست و پا انداخته بود قرض ۲۲ میلیون ونیم منات طلا عطش آنها را فرو نماند از سفر اول اروپا شاه مراجعت کرد. لذت گردش اروپا برای شاه و درباریان فراموش نشدنی بود شاه باز عزم دیدار اروپا کرد از ۲۲ میلیون منات چیزی باقی نمانده بود و از جای دیگر هم بموجب قرارداد قرضه ۲۲ میلیون منات اولیه ممکن نبود از جای دیگر قرض کرد چنین صلاح اندیشی شد بار دیگر به روسها مراجعه شود. این بار نیز دولت امپراطوری روس بی مضایقه برای پیشرفت سیاست خود روی خوش نشان داد فقط بایک شرط مختصر - آنها عبارت از این بود که در تعرفه گمرکی دولتین تجدید نظر شود و یک قرارداد جداگانه در این باب برقرار شود. دولت ایران قبول کرد اما بیک شرط که این موضوع کاملاً سری بماند و دولت انگلیس فعلاً از آن اطلاعی حاصل ننماید.

اینجا مطلبی قابل ذکر است که نباید تصور شود دولت وقت ایران در نظر داشته قراردادی مفیدتر از آنچه بوده تنظیم نماید و ترس از جلوگیری دولت انگلیس داشته است. خیر - معلوم است سیاست استعماری روس اگر زنجیر را محکمتر نمیکرد آزادتر نمیساخت. دولت ایران از این نظر که مبادا اطلاع دولت انگلیس جلوگیری از قرارداد نموده و در نتیجه قرضه بتعویق افتد و کمی دیرتر راهی دیار فرنگ شوند. ناراحت بود.

اما در کتاب عصر بی خبری (ص ۳۹۱) مینویسد: در موقعی که مظفرالدین شاه برای باردوم از روسها تقاضای پول میکند روسها با دو شرط حاضر بدادن ده میلیون منات میشوند: یکی اعطای امتیاز ساختن راه شوسه جلفا - قزوین به بانگ استقراضی روس و دیگری تغییر تعرفه گمرکی بنفع روسیه.

محمود محمود مینویسد: باقرض ده میلیون منات طلا از دولت روس ساز و برگ سفر دوم شاه برای اروپا آماده گردید و دربار ایران حاضر شد قرارداد گمرکی جدید را بصواب دید مامورین بلجیکی بنفع روسها قبول کند. در این نوشته دو موضوع قابل مطالعه است اول اینکه بلژیکی ها برای محکمی کار خود در مذاکرات دولت ایران را ملزم ساختند که خود عهده دار تنظیم نظامنامه باشند و دیگر اینکه دولت ایران قبلا میدانست که تغییر بنفع دولت روسیه است و هیچگونه عذاب وجدانی نداشت.

تاریخ شروع مذاکرات و امضای آن و انتشار و اطلاع دولت انگلستان برای اثبات مطلب بسیار لازم است. در کتاب عصر بی خبری (ص ۳۹۱) مینویسد: قرارداد تعرفه گمرکی ایران و روس ظاهراً که صحبت آن از مدتها قبل بمیان آمده بود در تاریخ رجب ۱۳۱۹ هـ ق یعنی پنج شش ماه قبل از امضای قرارداد قرض دومی که از

روسها گرفته شد در تهران بامضا رسیده است ولی اجرای آن چندی محرمانه نگاهداشته شده بود. تاذی القعده ۱۳۲۱ هجری قمری بتأخیر افتاد .

محمود محمود مینویسد : در ماه اوت ۱۹۰۲ (ج ۱- ۱۳۲۰-ق) شاه درلندن بود وانگلیسها هیچ اطلاعی ازاین قرارداد گمرکی نداشتند فقط بگوششان رسیده بود که مذکراتی برای طرح يك قرارداد گمرکی جدید در میان است که دولت ایران باروسها برقرار کند .

وباز مینویسد : وقتی انگلیسها از این قرارداد گمرکی اطلاع حاصل کردند منتها درجه عصبانی شدند از نوشتجات رجال مهم آنها پیدا است تا چه درجه غضب ناک شده بودند . یکی از آن اشخاص که بیش از همه در این باب جوش و خروش داشت سروالنتن چیرول بود . مخصوصاً مأمور ایران شد که در اطراف این قضایا از نزدیک اطلاع حاصل کند . هم اودر این باب مینویسد : این خبر يك ضربت عمدی بود که بروابط تجارتي ما که مدتها بین ایران وانگلیس برقرار بود وارد آورد . انتشار این قرارداد از پترزبورغ هنگامی بود که لرد دئون- بریاست يك میسیون مخصوص از طرف ادوارد هفتم پادشاه انگلستان مأمور بود نشان زانو بند را در طهران به پادشاه ایران با تشریفات مخصوص بدهد . (ص ۱۶۷۲) اطلاع از این قرارداد گمرکی جدید از ترس و وحشت آن عده که همیشه بدولت انگلیس گوشزد میکردند که متوجه خطری که منافع تجارتي دولت انگلیس را تهدید میکند باشند - هیچ نکاست .

باز در صفحه (۱۶۷۳) مینویسد : این قرارداد گمرکی در نظر عمال سیاسی انگلستان بزرگترین ضربتی بوده که در بار ایران بمنافع سیاسی واقتصادی بریطانیای کبیر وارد آورده است . وزارت خارجه انگلستان بعجله و شتاب لرد دئون را بانشان زانو بند بدر بار طهران

فرستاد که يك قرارداد گمرکی جدید با ایران منعقد نماید . سیاسيون انگلیس این عقیده را داشتند که در طهران سیاست مداران انگلیس را عمداً اغفال کرده اند و این قرارداد را بسته اند دولت ایران خطای بزرگی را مرتکب شده که پشت سرما يك قراردادی بسته که منافع ما را بخطر انداخته است .

اگر مسئله بهمین جا ختم میشد شاید دولت انگلستان برعایت خاطر روس تا این اندازه در پیشرفت مشروطیت مساعی جمیله بخرج نمیداد چه در این تاریخ ویلملم دوم با قدرت تمام به توسعه سیاست استعماری آلمان پرداخته بود و گفتار او که : زندگانی آلمان از این پس بر روی دریاهاست ، ناقوس خطر را برای انگلستان بصدا درآورده بود . از جهت دیگر بیسمارك با تمام مساعی میخواست دو امپراطوری اروپائی را بایکدیگر برای تقسیم مستعمراتی که آلمان برای دریافت آنها عقب افتاده بود متحد سازد . اما :

بموجب ماده دوم قرارداد مورخ نوزدهم ذی القعدة سال ۱۲۳۸ ایران و عثمانی که بموجب قرارداد ۱۲۶۳ مورد تأیید قرار گرفته بود مقرر شده بود از مالتجاره اتباع ایران و عثمانی که بکشور طرفین حمل و نقل میشد صدی چهار حقوق گمرکی دریافت گردد . حال چه بسا بعد از عقد قرارداد جدید با دولت روس دولت انگلیس از ماده دول کامله الوداد استفاده نموده و بجای صد پنج کمتر یعنی صد چهار حقوق گمرکی میپرداخت . لذا دولت روس با قبول دولت ایران و دستیاری مستشاران بلژیکی در صدد تغییر این عهدنامه برآمدند . حال ملاحظه نمائید چگونه این اقدامات را درخفا انجام داده اند که باز دولت انگلیس تا امضای قرارداد از جریان مطلع نگردد .

در این هنگام پرنس ارفع الدوله دانش سفیر کبیر ایران در

دولت عثمانی بود. مرحوم خان‌ملك ساسانی درباره این ایام می‌نویسد «وقتیکه سیاست انگلیس در ایران پیشرو بود حسنعلیخان امیر نظام و حاجی محسن‌خان معین‌الملک را از پاریس و لندن به استانبول فرستادند همینکه سیاست روس جلوفتاد ناظم‌الدوله و علا‌الملک و ارفع‌الدوله را از پترزبورغ مأمور استانبول نمودند. آمدن احتشام السلطنه از برلن با استانبول دلیل بر پیشرفت سیاست آلمان در ایران میکرد.»

از این بیان نتیجه میتوان گرفت که پیشرفت سیاست روس در ایران تا چه اندازه بوده و پرنس ارفع‌الدوله نیز طرفدار پیشرفت سیاست روس بوده است.

در همین مأموریت چون نوزشخصاً به استانبول رفت و بنا بدستور روسها از خرج کردن مضایقه نداشته مطلب نه از طرف عثمانی‌ها در زکر دونه از طرف سفیر ایران. ببینیم در عصر بی‌خبری در این باره چه نوشته؟ برای تغییر قرارداد گمرکی ایران و عثمانی مسیونوز مدیرکل گمرکات ایران را به اسلامبول میفرستند و روسها دولتین ایران و عثمانی را تحت فشار میگذارند و مبالغی نیز رشوه میدهند تا بمقصود خویش نائل میگردند.

ارفع‌الدوله در ماه ذی‌الحجه ۱۳۲۰ - ه ق یعنی چند ماهی بعد از امضای قرارداد ایران و عثمانی گزارشی به طهران میفرستد و در آن اعتراض سفیر انگلیس را بدولت عثمانی درباره تغییر تعرفه گمرکی مشروح بیان میدارد که برای جلوگیری از اطناب فقط اشارتی چند مینمایم. بنا بخواش سفارت کبری روزیکه دولت عثمانی رسماً اعلان کرد که قرار تعرفه جدید از اول ماه فوریه روسی (تقریباً دی ماه ۱۲۸۱ - ش) مجری خواهد شد سفیر کبیر انگلیس با وزیر امور خارجه عثمانی مذاکره کرده و پرسیده بود. «...سعید

پاشا صدراعظم سابق بمن صریحاً قول داده بود که نگذارد اینکار بگذرد. و حالا دولت عثمانی بما خلاف وعده خود نموده خلاصه سفیر انگلیس از این فقره در نهایت درجه اوقاتش تلخ و کمال تعجب و تاجر را دارد و از اینکه با آنهمه تششحات آنها در عدم اجرای این قرارداد جدید چگونه این فقره صورت اجری گرفت . « این دوپیش آمد که هر دو در خفا انجام پذیرفت تصمیم دولت انگلستان را در تغییر حکومت ایران قطعی ساخت گفتیم که سیاست ویلhelm دوم دراروپا که بنا به دستور بیسمارک اتحاد با دولت امپراطوری روس بود دولت انگلستان را نسبت بروسیه تزاری بسیار متمایل ساخته و بهمیچوجه حاضر نبود عملی انجام دهد که سبب نزدیکی روس به آلمان گردد و دیدم که بالاخره این سیاست منجر بعقد قرارداد ۱۹۰۷ گردید و این اختفا از طرف ایران بقدری سیاسیون انگلستان را تحریک نمود که فقط در منطقه ایران بهرنجش دولت روس اهمیتی نداده و مشروطه خواهان را تحریک و پشتیبانی نمودند. اما دولت روس راهم بکلی آسوده خاطر نگذارند و میبینیم که روابط دولت ژاپن در این تاریخ باروسییه روز بروز تیره تر گردید تا منجر به جنگ ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ شد. همچنین انقلابیون روسیه حزب اتحاد و ترقی در روسیه خاصه در قفقاز از هر جهت کمک و تحریک شدند .

چون مقصود نگارنده همین بود که معلوم گردد اقدامات مستشاران بلژیکی و عقد قرارداد سبب کمک بیدریغ دولت انگلستان به مشروطه خواهان گردید بیش از این وارد این موضوع نمیشوم و بحث در این مطلب را به تاریخ مشروطیت ایران که بنظر نگارنده هنوز تحقیق علمی نشده واگذار مینمایم .

بعد از ذکر این مقدمات است که ناگهان جریان وقایع در ایران

عوض شد. مأموران انگلیسی مسافرتشان بنواحی مختلف جنوبی ایران شروع میشود کلمات زشت و زننده در کتب و مجلات برضد ایران نوشته میشود ادوارد برون و سایر مستشرقین دلسوزتر از همیشه میشوند و مظلومیت ایرانیان را بگوش ملل جهان میرسانند قرارداد را هزار مرتبه بدتر از آنچه بود معرفی نمودند. مرحوم کسروی در باره این قرارداد مطلب قابل ملاحظه‌ای مینویسد (صفحه ۲۹) از این کارزیانی دیده نمیشد (منظور قرارداد است) مردم از نهان بلژیکیان و از بدخواهی آنان که هنوز بیرون نیافتاده بود آگاهی نمیداشتند و با این همه در بوشهر و شیراز و یزد و اسپهان و تهران بازرگانان و ملایان ناخشنودی نمودند. در سال ۱۲۸۱ که مظفرالدین شاه در سفر اروپا میبود در همه آن شهرها بازرگانان شوریده و بادولت در گله و گفتگو میبودند.

خلاصه هنوز شاه در اروپا بود که در تهران انجمنها شروع بکار کرد. مرحوم ناظم الاسلام در مقدمه تاریخ بیداری ایرانیان مینویسد که هنوز شاه در اروپا بود (سفر دوم) که اتابک را علما تکفیر نموده و بعد از تکسیر در اسلامبول در تهران منتشر ساختند و از طرف دیگر عده‌ای از علما و اعیان تشکیل مجلسی داده و بهر ترتیب بود انگلیسها دشمن شماره یک خود را معزول ساختند. و در اواخر شهریور ۱۲۸۲ - ش برابر با اواخر جمادی الثانی ۱۳۲۱ - ه ق اتابک میرزا علی اصغر خان معزول و به اروپا مسافرت نمود. انتخاب جانشین اتابک روی نظر خاص سیاست انگلستان بود و بهمین دلیل فرمانفرما (عبدالحسین میرزا) با همه کوشش و کشش بدین سمت انتخاب نشد چه او مردی که سید قندی را چوب بزند و به طباطبائی و بهبهانی بی‌اعتنائی کند نبود لذا عین‌الدوله بدین سمت انتخاب و کرد آنچه کرد و شد آنچه شد.



حال که تا آنجا که ممکن بود به اختصار درباره گزارش نوز و شأن نزول آن صحبت شد برای خاتمه دو مطلب را باید بعرض برسانم :

کتابخانه مدرسه صنفیه

۱- قرارداد چگونه بوده ؟ بنا بمندرجات متن قرارداد که الساعه در مقابل بنده است خود قرارداد بدانصورت که طرفداران سیاست جنوبی تبلیغ میکرده اند نبوده زیرا در فصل یکم میگوید : حقوق گمرکی را موافق تعرفه های مفصله (آ) و (ب) و (ث) که منضم باین قرارنامه است دریافت خواهد شد. - وزمانیکه سر و صدای مخالفین بلند شد هنوز تعرفه ها بموقع عمل گذارده نشده بود و بهمین دلیل مرحوم کسروی در تاریخ مشروطیت مینویسد : اینان بکار پرداختند (بلژیکیها) و اداره گمرکی بشیوه کشورهای اروپائی پدید آوردند. و تعرفه را نیز دیگر کردند و شاه فرمانی بیرون داد که باجهای گوناگون که بنامهای (راهداری) و (قیانداری) و (حقوق خانسات) و مانند اینها از کاروانیان و بازرگانان ایرانی گرفته میشد از میان برخیزد و همچون بازرگانان بیگانه تنها يك (حقوق گمرکی) در مرز گرفته شود و بس از این کار زیانی دیده نمیشد و مردم از نهان بلژیکیان و از بدخواهی آنان که هنوز بیرون نیفتاده بود آگاهی نمیداشتند....

نگارنده کتاب (استقلال گمرکی) مرحوم رضا صنفی نیا را ندیده ام اما بنقل از کتاب عصر بی خبری آن مرحوم هم از مخالفین سخت قرارداد بوده مینویسد: قرارداد گمرکی ایران و روس مضار بزرگی را دارا بوده حتی میتوان گفت که این قرارداد از عهدنامه گلستان و ترکمن چای بمراتب بدتر بوده .

و لکن مرحوم مخبرالسلطنه هدایت که خود از بازیگران مهم این دوران و جریان مشروطیت ایران بوده و بعلاوه از دوستان بسیار نزدیک اتابک و راهنما و راهبر او به انجمن فراماسیون بوده نظری درست برخلاف نظر مرحوم رضا صنفی نیا میدهد و در کتاب خاطرات و خطرات مینویسد : مسیو نوز با روسها داخل مذاکره

شد باعتبار معاهده با مصر که هم از دول کامله الوداد است تغییری در تعرفه گمرک داده . بصرفه انگلیس نبود اگرچه حاجی محمد تقی شاهرودی آن اصلاح را مفید بحال تجارت نمیدانست بعقیده من رخنه بعهدنامه ترکمانچای هر اندازه اش فتحی محسوب میشود .

۲- نوز بعد از تاریخ گزارش که مسلما در ماههای اولیه جلوس محمد علیشاه بوده (جلوس ۳ ذی الحجّه ۱۳۲۴) یعنی اوایل سال ۱۳۲۵ هـ . ق مورد حملات وکلای مشروطه بوده تاریخ بیداری ایرانیان مینویسد (بخش ۲ ص ۶۹) روز پنجشنبه نهم ذی الحجّه ۱۳۲۴- دیگر در خصوص مسیو نوز وزیر گمرک و اینکه او باعث اغتشاش سرحد ایران و عثمانی شده است .

روز چهارشنبه ۲۲ ذی الحجّه ۱۳۲۴- چهارم (شرایط اهالی آذربایجان در مجلس) باید مسیو نوز و وکیل او مسیو پریم فوراً معزول شود و مسیو لاورس رئیس گمرک تبریز هم فوراً باید توقیف شود .

روز یکشنبه ۲۶ ذی الحجّه ۱۳۲۴- جناب مخبر السلطنه که رفته بود بدربار بازگشته رقعهای از صدراعظم آورده که حاکی بود برعزل مسیو نوز و مسیو پریم از شغل خودشان .
و بدین ترتیب این بازیگر بزرگ از صحنه سیاست خارج گردید تا بقیه عمر را چون دیگر سیاستمداران موفق آسوده بگذرانند .

مرحوم مخبر السلطنه هدایت در صفحه ۱۴۷ خاطرات و خطرات شرح این ماجرا را مبسوط نوشته و طالبین باید به آن مراجعه نمایند . میگوید هشت تقاضا بود که شاه عزل نوز را قبول کرد . اما در صفحه ۱۵۹ مینویسد اتابک یعنی میرزا علی اصغر خان رفیق گرمابه و گلستانش در امر نوز مایل به اصلاح بوده ولیکن مخبر السلطنه قبول نکرده است .